



■ **«هاییت» گردشگری «نیوزبلند» را متحول می کند**

با ساخت پرهزینه‌ترین فیلم تاریخ سینمای جهان در «نیوزبلند»، صنعت گردشگری این کشور متحول می‌شود. به گزارش ایسنا با قطعی شدن ساخت فیلم دو قسمتی «هاییت» به کارگردانی «پیتز جکسون» در کشور زیبای «نیوزیلند» این طور به نظر می‌رسد که صنعت گردشگری این کشور در سال‌های آتی متحول شود. به گزارش ام‌اس‌ان نیوز، ساخت این فیلم با بودجه‌ای در حدود ۶۷۰ میلیون دلار که پرهزینه‌ترین فیلم تاریخ سینما جهان خواهد بود، حدود ۱/۵ میلیون دلار برای کشور «نیوزیلند» درآمد خواهد داشت. ساخت «هاییت» بعد از جنگل‌های به وجود آمده میان اتحادیه بازیگران نیوزیلند و «پیتز جکسون» در نیوزیلند متوقف شد و این اتحادیه در اعتراض به اینکه بازیگری از این کشور در فیلم جدید پیتز جکسون حضور ندارد، خواستار تحریم این فیلم از سوی بازیگران استرالیایی حاضر در این پروژه شده بود.

اما پس از آنکه جکسون در نامه سرگشاده‌ای تهدید کرد این پروژه را به انگلیس یا کشور دیگری در شرق اروپا منتقل خواهد کرد، نخست‌وزیر نیوزیلند وارد ماجرا شد و حمایت قاطع خود را از این پروژه اعلام کرد. در نهایت طبق توافقات انجام شده بین مسئولان شرکت فیلمسازی «برادران وارنر» و مقامات نیوزیلندی، دولت نیوزیلند ۲۵۰ میلیون دلار از بودجه این فیلم را تأمین می‌کند و با اصلاحاتی در قانون کار این کشور، فیلمبرداری هاییت از فوریه ۲۰۱۱ در نیوزیلند آغاز می‌شود. داستان فیلم «هاییت» در دنیایی روی می‌دهد که پر از جادوگر و کوله‌هایی به‌نام «هاییت» است. «بیلبو باگینز» شخصیت اصلی داستان، یکی از این هاییت‌هاست که حلقه قدرت را از «گالم» می‌گیرد. هاییت‌ها گونه‌ای از موجودات تخیلی در رمان «رَباب حلقه‌ها» هستند. نیوزیلند یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان از نظر داشتن جنگل و منابع طبیعی دست‌نخورده بوده و تا به حال فیلم‌های مشهوری از جمله سه‌گانه «رَباب حلقه‌ها» در آن ساخته شده‌اند که رشد چشمگیر صنعت گردشگری این کشور را به همراه داشت.

■ **جیمز کامرون با دو «آواتار» دیگر بازی می‌کردد**

استودیو فاکس قرن بیستم و جیمز کامرون روز چهارشنبه به طور رسمی از ساخت دو فیلم جدید «آواتار» خبر دادند. به گزارش خبرآنلاین، با اعلام رسمی استودیو، تردیده‌ها در مورد ساخته دنباله‌هایی به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما به پایان رسید. جیمز کامرون به طرفداران «آواتار» که در دنیا ۲/۸ میلیارد دلار فروش داشت، قول داد فیلم‌های جدید به لحاظ بصری و داستان چیزی از اولین «آواتار» کم نداشته باشند.

قرار است «آواتار ۲» دسامبر ۲۰۱۴ در سینماها اکران شود و فیلم سوم نیز یک سال بعد از آن به بازار باید. کامرون در بیانیه‌ای گفت: ««آواتار» در قالب یک اثر حماسی و فانتزی تصویر شد؛ دنیایی که تماشاگر بتواند از آن دیدن کند و اکنون قرار است دو فاز دیگر آن دنیا راه‌اندازی شود.» کارگردان «تایتانیک» پارسل با یک تکنولوژی سه‌بعدی جدید و داستان‌های احساسی که تلفیقی از اکتش‌های هالیوودی و قصه‌ای پراحساس بود، تماشاگران زیادی را به سینماها کشاند. «آواتار» که قصه آن در سیارهای بیگانه به نام پاندورا روی می‌دهد، رکورد «تایتانیک» را شکست و پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما لقب گرفت. این فیلم در ادامه رکورد بهترین فروش نسخه بلو-ری را هم جابه‌جا کرد. «آواتار» در ۹ رشته نامزد اسکار شد و به بخش فنی جایزه دریافت کرد. کامرون گفت قسمت‌های دوم و سوم «آواتار» داستان‌هایی «مستقل» را به تصویر می‌کشند که بخشی از داستان بزرگ‌تر درباره تلاش ندوها، ساکنان پاندورا در برابر انسان‌هاست. تولید این دو فیلم قرار است سال ۲۰۱۱ آغاز شود. خبر ساخت دو «آواتار» جدید در حالی اعلام شد که دیسک‌های نسخه ویژه «آواتار ۲» از ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) در بازار بین‌المللی و از ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان) در امریکای شمالی توزیع می‌شود. نسخه‌های دی‌وی‌دی و بلو-ری این فیلم شامل ۴۵ دقیقه صحنه‌های اضافه‌شده نسبت به نسخه اکران شده در سینماها و ۳۶ دقیقه بیشتر از نسخه‌ای است که ماه اگوست مجدداً اکران شد.

■ **آرونوفسکی با «مرد ماشین» به سینما می‌آید**

دارن آرونوفسکی تریلر «مرد ماشین» را بر مبنای یک مجموعه داستان آنلاین نوشته مکس بری نویسنده استرالیایی، کارگردانی می‌کند. به گزارش خبرآنلاین، این فیلم به تهیه‌کنندگی شرکت «مندیلی پیکچرز» ساخته می‌شود و داستان درباره مهندسی است که بدن خود را به ابزار فوق پیشرفته مجهز می‌کند. مارک همین که در ترلر روانشناختی «قوی سیاه» با آرونوفسکی همکاری کرد، فیلمنامه «مرد ماشین» را می‌نویسد. «مندیلی پیکچرز» حقوق ساخت داستان «مرد ماشین» را نوامبر ۲۰۰۹ از آن خود کرد. این داستان پارسل در قالب یک مجموعه آنلاین منتشر شد و هر روز یک صحنه از آن روی اینترنت می‌رفت. با ادامه انتشار آنلاین «مرد ماشین» طرح داستانی آن با پیشنهاد خوانندگان شکل گرفت. آرونوفسکی این مجموعه داستان را در دسامبر منتشر شد و انتشارات «وینتیج بوک» کل آن را در قالب یک رمان یهار سال آینده به بازار می‌دهد. مکس بری به عنوان مدیر تولید با پروژه «مرد ماشین» همکاری دارد.

آرونوفسکی ۴۱ ساله آخرین بار فیلم «دشتی گیر» را روی پرده سینماها داشت و به خاطر آن برنده جایزه شیر طلای جشنواره ونیز شد. «قوی سیاه» فیلم جدید او نیز اولین بار سپتامبر امسال در ونیز نمایش داده شد و از سوم دسامبر اکران عمومی می‌شود. در همین حال آرونوفسکی برای کارگردانی دنباله «وولورین» نیز در حال مذاکره است. «عدد بی»، «هری‌پاتر بر یک روپا» و «چشمه» از دیگر فیلم‌های این کارگردان نیویورکی است.

■ **سوالیه تاریکی برمی‌خیزد**

سومین قسمت از سری فیلم‌های «سنت‌خوان» عنوان «سوالیه تاریکی برمی‌خیزد» ساخته خواهد شد. «کریستوفر نولان» کارگردان سرشناس هالیوود روز پنجشنبه اعلام کرد قسمت جدید از سری فیلم‌های «بتمن» با نام «سوالیه تاریکی برمی‌خیزد» قبلاً در سینما خواهد رفت. «نولان» اعلام کرد «این قسمت جدید کاملاً کننده دو قسمت قبلی خواهد بود و روز ۲۰ جولای ۲۰۱۲ اکران می‌شود. به گزارش ورایتی، «سوالیه تاریکی برمی‌خیزد» برخلاف آنچه پیش از این گفته می‌شد، در قالب سه‌بعدی ساخته نمی‌شود. این پروژه سه‌بعدی به‌زودی در نیوورلن کلید می‌خورد و دو شرکت فیلمسازی برادران وارنر و دی‌سی اینترتینمنت تهیه و تولید آن را برعهده دارند. «لئوناردو دی‌کاپریو» بازیگر سرشناس هالیوود در این فیلم نقش‌آفرینی خواهد داشت و «کریستوفر نولان» با همکاری «بویید گوبر» فیلمنامه آن را خواهند نوشت.

قسمت قبلی سری فیلم‌های «بتمن» با نام «سوالیه تاریکی» در سال ۲۰۰۸ به کارگردانی «کریستوفر نولان» ساخته شد که موفقیت چشمگیری به‌دست آورد. «سوالیه تاریکی» به گفته کمپانی «برادران وارنر» مرز فروش یک میلیارد دلار را پشت سر گذاشت. این فیلم با فروش ۵۳۳ میلیون دلار در امریکا و ۵۶۷ میلیون دلار در دیگر کشورهای جهان، چهارمین فیلم تاریخ سینمای جهان نام گرفت که حجم فروش کلی آن از مرز یک میلیارد دلار گذشته است.

■ **آخرین مهلت برای ارسال انیمیشن بلند به اسکار**

آکادمی اسکار دهم آبان‌ماه را به عنوان مهلت پایانی برای معرفی آثار انیمیشن بلند اعلام کرد.

آکادمی اسکار روز گذشته اعلام کرد آخرین مهلت برای معرفی فیلم‌های انیمیشن بلند جهت حضور در هشتاد و سومین دوره جوایز اسکار روز اول نوامبر (۱۰ آبان) خواهد بود. به گزارش ورایتی، مهلت آثار متقاضی حضور در بخش فیلم‌های غیرانگلیسی و انیمیشن کوتاه و اکتش زنده ۹ مه‌رامه پایان یافته بود. هشتاد و سومین مراسم اعطای جوایز اسکار درحالی روز ۲۷ فوریه ۲۰۱۱ (هشتم اسفند) در لس‌آنجلس برگزار خواهد شد که نامزد‌های نهایی بهترین فیلم غیرانگلیسی به‌همراه کاندیداهای دیگر بخش‌های جوایز اسکار روز ۲۵ ژانویه معرفی خواهند شد.

در بخش بهترین فیلم غیرانگلیسی جوایز اسکار ۶۵ کشور نمایندگان خود را معرفی کرده‌اند که از سرشناس‌ترین آنها می‌توان از «همو بومی که می‌تونه زندگی گذشته‌اش رو به‌یاد بیاره»، برنده نخل طلای کن ۲۰۱۰ از تایلوان، فیلم «عسل» از ترکیه ساخته «سمیح کاپلان‌اوغلو» برنده خرس طلای شصتمین جشنواره فیلم برلین و فیلم «از خدایان و انسان‌ها» از فرانسه ساخته «خاویر بیوو» برنده جایزه هیات داوران جشنواره کن نام برد.

۱۵ سینمای جهان

گفت وگو با رابرت زمه‌کیس، استیون اسپیلبرگ و باب گیل درمورد فیلم بازگشت به آینده-بخش اول

ژانر را معیار قرار دهید

◀ ترجمه: نسیم نیگفرد

با سه تن از دست‌اندرکاران فیلم «بازگشت به آینده»- رابرت زمه‌کیس (کارگردان و فیلمنامه‌نویس فیلم)، باب گیل (یکی از نویسنده‌های فیلمنامه و تهیه‌کننده) و استیون اسپیلبرگ (تهیه‌کننده فیلم) گفت‌وگو انجام شده‌است. در این گفت‌وگو این سه نفر در کنار هم از روند تولید فیلم و اهمیت آن در ژانر علمی- تخیلی و زمان خود گفته‌اند.

- فیلم «بازگشت به آینده» الهام‌گرفته از چه چیزی است؟

باب گیل: یک بار که به ملاقات خانواده‌ام رفته بودم، سری به زیرزمین خانه‌شان زدم و مشغول بازرسی اسباب و وسایل آنجا بودم که ناگهان سالنامه دوره دبیرستان پدرم را پیدا کردم و تازه فهمیدم پدرم آن زمان نماینده کلاس در سال چهارم دبیرستان بود. همان لحظه این فکر به خاطرم رسید که ای کاش می‌توانستم به آن دوره‌ای که پدرم دبیرستانی بود برمی‌گشتم و این فکر جرقه ساخت این فیلم را به سر من زد و من به لس‌آنجلس برگشتم.

رابرت زمه‌کیس: ما می‌خواستیم در فیلم‌مان از ایده‌ای استفاده کنیم که تا به حال به ذهن کسی خطور نکرده باشد و به این فکر افتادیم که موضوع فیلم درباره سفر در زمان باشد و به نظرم‌مان خیلی جالب آمد که داستان فیلم درباره کودکی باشد که به سال‌ها قبل، یعنی به دوره نوجوانی پدر و مادرش سفر می‌کند. **استیون اسپیلبرگ:** به فکر ساخت فیلمی می‌افتد به نظر فوق‌العاده آمد و هنرپیشه‌هایی که برای فیلم انتخاب شده بودند کاملاً مطابق با شخصیت‌های آن بودند. **باب گیل:** تمام اطلاعات مربوط به موضوع فیلم را خیلی سریع آماده کردیم.

استیون اسپیلبرگ: وقتی افرادی چون باب گیل و رابرت زمه‌کیس به فکر ساخت فیلمی می‌افتند به نظر می‌آید با این ایده‌های عجیبی که آنها در ذهن دارند، تنها مایکل جی فاکس و کریستوفر لوید می‌توانند از پس اجرای شخصیت‌های فیلم بر بیایند.

رابرت زمه‌کیس: من و باب برای نوشتن فیلمنامه خیلی زحمت کشیدیم و نهایت دقت را در مرتبط کردن موضوعات به هم به کار بردیم. مثلاً موضوع فیلم درباره سفر در زمان بود. خوب حساب کنید ببینید چقدر باید در خصوص نوشتن متن فیلمنامه دقت می‌کردیم که موضوع آن سفر در زمان به نظر برسد نه سفر در فضا و از طرف دیگر باید فیلمنامه را به گونه‌ای می‌نوشتیم که نشان بدهد چگونه به طور معجزه‌آسایی شخصیت فیلم به ۱۰۰ سال قبل سفر می‌کند.

استیون اسپیلبرگ: من برخلاف نظر باب گیل و باب زمه‌کیس با حضور ماشین زمان در فیلم مخالفت کردم و به نظر من یک وسیله زحمت و بیخود می‌آمد ولی در نهایت ماشین زمان ساخته شد و اسم آن را دلورین گذاشتند. با ظاهر شدن ماشین زمان فیلم یک معنا و مفهوم خالی را به خودش گرفته بود و حالا دیگر شخصیت‌های فیلم می‌توانستند با آن به هر جا که می‌خواهند سفر کنند.

رابرت زمه‌کیس: خلاصه به هر ترتیبی که بود ما از ماشین زمان در فیلم‌مان استفاده کردیم. و زمانی که این وسیله به گذشته سفر می‌کرد مردم عامی فکر می‌کردند این یک جور سفینه فضایی است. **باب گیل:** در صحنه‌هایی از فیلم می‌بینیم زمانی که دکتر براون برای اولین بار ماشین زمان را درست می‌کند ابتدا مارتی سر از کار کاو در نمی‌آورد ولی بعد که متوجه می‌شود قرار است توسط این ماشین پرتاب شود با خودش افسوس می‌خورد که حالا که قرار است این زندگی‌اش را ترک کند چرا به اندازه کافی از آن لذت نبرد و تصمیم به خودکشی می‌گیرد.

رابرت زمه‌کیس: ما طبق فیلمنامه باید پایان هسته‌ای بود. فیلمبرداری می‌کردیم. همان‌طور که در فیلم می‌بینیم مارتی ماشین زمان را به توجّه بیابان می‌برد و دکتر براون با اتصال وسیله‌ای به ماشین با تولید انرژی باعث انفجار شده و ماشین زمان به سال ۱۹۸۵ سفر می‌کند.

باب گیل: ما نظرم‌ان بر این بود که این ماشین نیروی خود را از طریق پلوتونیوم تأمین کند و به این فکر افتادیم که دکتر امت براون یکی از افرادی است که در پروژه متهنن شرکت داشته و در انجام آزمایش‌های هسته‌ای حرف اول را می‌زند. در نتیجه ما یک شهرک مجازی در بیابان ساختیم و در فیلم می‌بینید که چطور منجر می‌شود. **باب گیل:** در جایی از فیلم می‌بینیم زمانی که مارتی متوجه می‌شود قطاری با شدت به سمت او در حال حرکت است دست به فرار می‌زند. اما متأسفانه به مانعی که در مقابلش بود برخورد می‌کند.

رابرت زمه‌کیس: باید بگویم یکی از عوامل موفقیت این فیلم این است که درست است که در صحنه‌هایی از فیلم، بیننده عصبی می‌شود و حرصش درمی‌آید ولی تسلّامش در قالب طنز انجام شده. البته ناگفته نماند که ما یکسری از

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۰ ■ یکشنبه ۹ آبان ۱۳۸۹



صحنه‌های ترسناک این فیلم را بازسازی کردیم تا بیننده هنگام دیدن آن احساس راحتی و آسودگی کند.

- درباره نحوه ساخت فیلم برپایان بگویند. رابرت زمه‌کیس: زمانی که من و باب به فکر ساخت چنین فیلمی افتادیم، داشتیم بدترین شرایط را سرپی می‌کردیم. چون دو تا از فیلم‌هایمان به نام‌های «I wanna hold your hand» و «used cars» که تهیه‌کنندگی هر دو آن را

استیون بر عهده داشت، با وجود زحمت‌های زیادی که برای ساخت آن کشیده بودیم، کمپانی آن را جزء ۱۰ فیلم برتر تولیدی خود در سال قرار نداده بود و در نتیجه ما هیچ‌گونه شانس‌ی برای ساخت «بازگشت به آینده» نداشتیم.

باب گیل: بار با خواسته ما مبنی بر قرار دادن فیلم در لیست ۱۰ فیلم برتر مخالفت کردند و دلیل‌شان هم این بود که با توجه به موضوع مسخره فیلم، قرار نیست استقبال چندانی از آن بشود. پس لزومی برای معرفی کردن آن وجود ندارد و البته خیلی زود خلاف این مطلب به آنها ثابت شد.

رابرت زمه‌کیس: استیون اولین فردی بود که متن فیلمنامه «Romancing The Stone» را خواند و خیلی از موضوع آن خوشش آمد ولی تمام نگرانی من از این بود که با توجه به مخالفتی که کمپانی از دو فیلم قبلی کرده بود و استیون نامه‌ای برای شاینرگ نوشت که اگر قرار باشد تهیه‌کنندگی این فیلم را هم به او واگذار کنم، قطعاً با آنها دچار مشکل خواهد شد و از کار برکنار می‌شود. برای همین سه سال از ساخت فیلم دست کشیدم تا آنها از آسیاب بیفتند و بعد از سه سال فیلم «Romancing The Stone» (قصه عاشقانه سنگ) را ساختم

و خوشبختانه از آن استقبال شد و حالا با این موفقیت دیگر با خیال راحت به فکر ساخت «بازگشت به آینده» افتادیم. در بین ما استیون تنها کسی بود که خیلی مشتاق به فیلم بود و از موفق شدن آن اطمینان کامل داشت.

استیون اسپیلبرگ: همین انرژی مثبت من باعث شد بچه‌های دست‌اندرکار دوباره با اشتیاق به کارشان بازگردند. من به آنها این اطمینان را دادم که امکان شکست ما وجود ندارد. ما آن مقدار بودجه برای ساخت فیلم را تهیه کردیم و آن را در اختیار بچه‌های دست‌اندرکار قرار دادیم.

رابرت زمه‌کیس: سید شاینبرگ (رئیس کمپانی) قبول کرد که ما را در ساخت فیلم یاری کند. او زمانی که فیلمنامه را خواند از سه جای آن ایراد گرفت؛ اول اینکه ما نباید در فیلم از عنوان «پروفیسور» استفاده می‌کردیم چون این یک لغت قدیمی و از رده خارج شده است و بهتر است از لغت «دکتر» استفاده شود. دوم اینکه در متن فیلمنامه همراه دکتر براون یک شامپانزه بود چون دکتر به خوش‌یمن بودن آن اعتقاد داشت و هر جا می‌رفت آن را با خودش می‌برد. سید گفت حتماً باید شامپانزه حذف شود چون هیچ کس از حضور چنین حیوانی در فیلم احساس لذت نمی‌کند.

باب گیل: او گفت تاکنون در هر فیلمی که شامپانزه حضور داشته استقبال خوبی از آن فیلم نشده و من از او پرسیدم چطور در فیلم «راه رهی به شکست منجر میشه اما تو همه اهاهاهههههههههه مردم برای دیدنش در سینماها صف کشیده بودند و او در پاسخ گفت در آن فیلم از اورانگوتان استفاده شده بود نه شامپانزه.

رابرت زمه‌کیس: و سومین ایراد او از عنوان فیلم بود ولی ما سفت و سخت روی حرف‌مان ایستادیم و حاضر به تغییر عنوان فیلم نشدیم. بعد از اینکه این فیلم در ساختش موفق شد در جشنی می‌خورد که حالا که قرار است این زندگی‌اش را ترک کند چرا به اندازه کافی از آن لذت نبرد و تصمیم به خودکشی می‌گیرد.

رابرت زمه‌کیس: ما طبق فیلمنامه باید پایان هسته‌ای بود. فیلمبرداری می‌کردیم. همان‌طور که در فیلم می‌بینیم مارتی ماشین زمان را به توجّه بیابان می‌برد و دکتر براون با اتصال وسیله‌ای به ماشین با تولید انرژی باعث انفجار شده و ماشین زمان به سال ۱۹۸۵ سفر می‌کند.

باب گیل: ما نظرم‌ان بر این بود که این ماشین نیروی خود را از طریق پلوتونیوم تأمین کند و به این فکر افتادیم که دکتر امت براون یکی از افرادی است که در پروژه متهنن شرکت داشته و در انجام آزمایش‌های هسته‌ای حرف اول را می‌زند. در نتیجه ما یک شهرک مجازی در بیابان ساختیم و در فیلم می‌بینید که چطور منجر می‌شود. **باب گیل:** در جایی از فیلم می‌بینیم زمانی که مارتی متوجه می‌شود قطاری با شدت به سمت او در حال حرکت است دست به فرار می‌زند. اما متأسفانه به مانعی که در مقابلش بود برخورد می‌کند.

رابرت زمه‌کیس: باید بگویم یکی از عوامل موفقیت این فیلم این است که درست است که در صحنه‌هایی از فیلم، بیننده عصبی می‌شود و حرصش درمی‌آید ولی تسلّامش در قالب طنز انجام شده. البته ناگفته نماند که ما یکسری از



زمه‌کیس: زمانی که همه چیز برای یک شروع خوب آماده است و می‌بینی که کارها دارد به خوبی پیش می‌رود، که ناگهان حین کار مشکلی پیش می‌آید به گونه‌ای که پیشرفت کار را دچار آخلال می‌کند، احساس خیلی بدی به تو دست می‌دهد.

اسپیلبرگ: من برای بهتر فیلمبرداری کردن از صحنه‌های فیلم، به کارگردانان دیگر هم سر می‌زدم و نحوه کار آنها را می‌دیدم ولی وقت زیادی را صرف این کار نکردم چون به نظرم از نزدیک دیدن نحوه فیلمبرداری کارگردانان، کار خسته‌کننده‌ای است و بهترین مکان برای این کار همان سینما است.

رابرت زمه‌کیس: در اینجا تصمیم‌گیری با استیون بود. شما حساب کنید اصلاً در کل تاریخ فیلمسازی سابقه نداشته بعد از اینکه تهیه‌کننده‌ای در کار خودش به موفقیت می‌رسد به همان کارگردانی که تا دیروز با او همکاری می‌کرد و از ایده‌هایش استفاده می‌کرد پشت کند. حالا دیگر بر عهده استیون بود که آیا همین کار را با من بکند یا نه؟

استیون اسپیلبرگ: من در این زمینه از دوستم گری دیوید گلدرگ کمک گرفتم. او خلق‌کننده فیلم «Family Ties» (رابطه خانوادگی) بود. زمانی که من موضوع را برای او توضیح دادم او فهمید ما در چه مضیقه‌ای قرار گرفتیم؛ پیشنهادی به ما داد که حسابی خيال ما را آسوده کرد و آن این بود که قرار شد به‌رغم سختی‌های موجود، مایکل جی‌فکس همزمان در هر دو فیلم ایفای نقش کند. در نتیجه اریک حذف شد.

- سخت‌ترین بخش کار کدام قسمت بود؟

رابرت زمه‌کیس: چون مایکل در هر دو فیلم همزمان مشغول به فعالیت بود و بیشتر فیلمبرداری ما در شب انجام می‌شد و ما در این مدت اصلاً نور خورشید را درست و حسابی نمی‌دیدیم، برای همین مایکل با این شرایط اصلاً فرصت استراحت پیدا نمی‌کرد.

باب گیل: از جمله سختی‌های دیگر در طول ساخت این فیلم، طراحی مربوط به میز شام بود و همان طور که گفته شد قسمت اعظم فیلمبرداری در شب انجام می‌شد و ما با تمام شخصیت‌های فیلم در طول شب مشغول تمرین بودیم و از طرفی هم چون مایکل در هر دو فیلم همزمان مشغول فعالیت بود برخی از روزها که برای استراحت می‌رفت مجبور بودیم بسیاری از کارها را به جای مایکل انجام دهیم.

رابرت زمه‌کیس: زمانی که همه چیز برای یک شروع خوب آماده است و می‌بینی که کارها دارد به خوبی پیش می‌رود، ناگهان حین کار مشکلی پیش می‌آید به گونه‌ای که پیشرفت کار را دچار آخلال می‌کند، احساس خیلی بدی به تو دست می‌دهد.

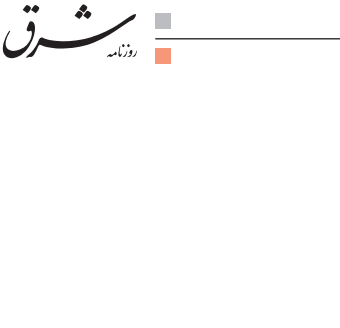
استیون اسپیلبرگ: من برای بهتر فیلمبرداری کردن از صحنه‌های فیلم، به کارگردانان دیگر هم سر می‌زدم و نحوه کار آنها را می‌دیدم ولی وقت زیادی را صرف این کار نکردم چون به نظرم از نزدیک دیدن نحوه فیلمبرداری کارگردانان، کار خسته‌کننده‌ای است و بهترین مکان برای این کار همان سینماست.

رابرت زمه‌کیس: یکی از افرادی که ما با او بود. ما قرارمان بر این بود که به ازای هر دقیقه اجرای نقشش در فیلم ۵۰ سنت بگیرد. ولی او زمانی که این مقدار مبلغ را بستند، عصبانی شد و گفت کم است. حتی در یکی از صحنه‌های فیلم که مشغول نوشتن مطلبی است، شدت عصبانیت وی کاملاً آشکار است که چشمانش خون افتاده و صورتش ورم کرده و دست‌هایش را لای موهایش کرده و دارد آنها را می‌کشد. زمانی که ما برایش توضیح دادیم که این صحنه اصلاً با صحنه قبلی وی مطابقت ندارد، در جواب گفت: «همینه که هست می‌خواین بخواین، نمی‌خواین هم بخواین.»

باب گیل: با اینکه طی ساخت فیلم خیلی سختی کشیدیم ولی خوب توانستیم از پس آن برآییم. طوری که ۸۰ درصد از بچه‌های دست‌اندرکار دنبال نتیجه کار بودند که ببینند چطور می‌شود.

- نتیجه کارتان چگونه بود؟

رابرت زمه‌کیس: ما دو بار عکس‌العمل مردم را درباره فیلم زیر نظر گرفتیم، یک بار زمانی بود که این فیلم برای اولین بار در سن جونز، شهری در قسمت غربی کالیفرنیا به اکران درآمد. خیلی از بیننده‌ها فقط به خاطر حضور مایکل جی فاکس و کریستوفر لوید در فیلم به دیدن آن رفته بودند



زمه‌کیس: زمانی که همه چیز برای یک شروع خوب آماده است و می‌بینی که کارها دارد به خوبی پیش می‌رود، که ناگهان حین کار مشکلی پیش می‌آید به گونه‌ای که پیشرفت کار را دچار آخلال می‌کند، احساس خیلی بدی به تو دست می‌دهد.

اسپیلبرگ: من برای بهتر فیلمبرداری کردن از صحنه‌های فیلم، به کارگردانان دیگر هم سر می‌زدم و نحوه کار آنها را می‌دیدم ولی وقت زیادی را صرف این کار نکردم چون به نظرم از نزدیک دیدن نحوه فیلمبرداری کارگردانان، کار خسته‌کننده‌ای است و بهترین مکان برای این کار همان سینما است.

رابرت زمه‌کیس: در اینجا تصمیم‌گیری با استیون بود. شما حساب کنید اصلاً در کل تاریخ فیلمسازی سابقه نداشته بعد از اینکه تهیه‌کننده‌ای در کار خودش به موفقیت می‌رسد به همان کارگردانی که تا دیروز با او همکاری می‌کرد و از ایده‌هایش استفاده می‌کرد پشت کند. حالا دیگر بر عهده استیون بود که آیا همین کار را با من بکند یا نه؟

استیون اسپیلبرگ: من در این زمینه از دوستم گری دیوید گلدرگ کمک گرفتم. او خلق‌کننده فیلم «Family Ties» (رابطه خانوادگی) بود. زمانی که من موضوع را برای او توضیح دادم او فهمید ما در چه مضیقه‌ای قرار گرفتیم؛ پیشنهادی به ما داد که حسابی خيال ما را آسوده کرد و آن این بود که قرار شد به‌رغم سختی‌های موجود، مایکل جی‌فکس همزمان در هر دو فیلم ایفای نقش کند. در نتیجه اریک حذف شد.

رابرت زمه‌کیس: چون مایکل در هر دو فیلم همزمان مشغول به فعالیت بود و بیشتر فیلمبرداری ما در شب انجام می‌شد و ما در این مدت اصلاً نور خورشید را درست و حسابی نمی‌دیدیم، برای همین مایکل با این شرایط اصلاً فرصت استراحت پیدا نمی‌کرد.

باب گیل: از جمله سختی‌های دیگر در طول ساخت این فیلم، طراحی مربوط به میز شام بود و همان طور که گفته شد قسمت اعظم فیلمبرداری در شب انجام می‌شد و ما با تمام شخصیت‌های فیلم در طول شب مشغول تمرین بودیم و از طرفی هم چون مایکل در هر دو فیلم همزمان مشغول فعالیت بود برخی از روزها که برای استراحت می‌رفت مجبور بودیم بسیاری از کارها را به جای مایکل انجام دهیم.

رابرت زمه‌کیس: زمانی که همه چیز برای یک شروع خوب آماده است و می‌بینی که کارها دارد به خوبی پیش می‌رود، ناگهان حین کار مشکلی پیش می‌آید به گونه‌ای که پیشرفت کار را دچار آخلال می‌کند، احساس خیلی بدی به تو دست می‌دهد.

استیون اسپیلبرگ: من برای بهتر فیلمبرداری کردن از صحنه‌های فیلم، به کارگردانان دیگر هم سر می‌زدم و نحوه کار آنها را می‌دیدم ولی وقت زیادی را صرف این کار نکردم چون به نظرم از نزدیک دیدن نحوه فیلمبرداری کارگردانان، کار خسته‌کننده‌ای است و بهترین مکان برای این کار همان سینماست.

رابرت زمه‌کیس: یکی از افرادی که ما با او بود. ما قرارمان بر این بود که به ازای هر دقیقه اجرای نقشش در فیلم ۵۰ سنت بگیرد. ولی او زمانی که این مقدار مبلغ را بستند، عصبانی شد و گفت کم است. حتی در یکی از صحنه‌های فیلم که مشغول نوشتن مطلبی است، شدت عصبانیت وی کاملاً آشکار است که چشمانش خون افتاده و صورتش ورم کرده و دست‌هایش را لای موهایش کرده و دارد آنها را می‌کشد. زمانی که ما برایش توضیح دادیم که این صحنه اصلاً با صحنه قبلی وی مطابقت ندارد، در جواب گفت: «همینه که هست می‌خواین بخواین، نمی‌خواین هم بخواین.»

باب گیل: با اینکه طی ساخت فیلم خیلی سختی کشیدیم ولی خوب توانستیم از پس آن برآییم. طوری که ۸۰ درصد از بچه‌های دست‌اندرکار دنبال نتیجه کار بودند که ببینند چطور می‌شود.

رابرت زمه‌کیس: ما دو بار عکس‌العمل مردم را درباره فیلم زیر نظر گرفتیم، یک بار زمانی بود که این فیلم برای اولین بار در سن جونز، شهری در قسمت غربی کالیفرنیا به اکران درآمد. خیلی از بیننده‌ها فقط به خاطر حضور مایکل جی فاکس و کریستوفر لوید در فیلم به دیدن آن رفته بودند